

برای محافظت از فرزندان اعتبار کسب کنید



دکتر مهتاب علی نژاد
جامعه‌شناس

دنیای این روزها دنیای ارتباطات مجازی است. زندگی جمعی در جامعه امروز در موارد بسیاری حول میدان ابزار ارتباطی اینترنتی شکل می‌گیرد. به همه تغییرات حاصل از فناوری، بحران کووید ۱۹ را هم بیفزایید که ضرورت رعایت دستورهای بهداشتی و حفظ فاصله فیزیکی، بهره‌برداری از ابزار ارتباطی مجازی را اجتناب‌ناپذیر کرده است.

➤ دانش‌آموزان و استفاده از فضای مجازی برای تحصیل

گسترش استفاده از ابزارهای ارتباطی از راه دور در نظام آموزشی در ماه‌های اخیر به گروه‌های دانش‌آموزی نیز رسیده است. کودکان و نوجوانانی که ناگزیرند به شبکه آموزشی ملی از طریق اینترنت متصل شوند تا از میدان رقابتی کسب علم عقب نمانند. مزیت استفاده از فضای مجازی در سیستم آموزشی این است که دانش‌آموزان می‌توانند به تحصیل خود همچنان از راه دور ادامه دهند. با این حال، در کنار مزیت کارکردی دسترسی به اینترنت برای دریافت مباحث آموزشی، در برخی موارد، دستیابی به ابزارهای ارتباطی به نوعی آسیب برای کودکان و نوجوانان و نگرانی برای والدین تبدیل شده است. سیستم آموزشی ناچار است از ابزار ارتباطی اینترنتی برای امتداد فرایند آموزش استفاده کنند. والدین نیز ناگزیرند این ابزارها اعم از تبلت یا گوشی را در اختیار فرزندان قرار دهند تا بتوانند پیکر تحصیل خود باشند.

➤ چالش ایجادشده در تعامل فرزندان و والدین

آنچه در این میان با استفاده روزافزون از این ابزارها توسط دانش‌آموزان بر ما هویدا می‌شود، ایجاد چالش در تعامل والدین و فرزندان است

که در برخی موارد به دلیل ناآگاهی والدین، این چالش‌ها به تنش‌ها یا دغدغه‌هایی روزانه برای آن‌ها تبدیل می‌شود. میزان دسترسی کودکان و نوجوانان به تلفن همراه و تبلت در کل کشور و در همه خانواده‌ها چه به دلیل شرایط اقتصادی چه به دلیل سبک زندگی و تربیتی والدین یکسان نیست. در برخی خانواده‌ها که میزان دسترسی فرزندان بسیار کنترل‌شده یا محدود یا حتی کاملاً ممنوع بوده، با نیاز دانش‌آموزان به دسترسی آموزشی، میزان دسترسی دچار تغییرات متعددی شده است. در این میان، اگرچه برخی والدین با راهکارهای کوتاه‌مدت و با کنترل تخصصی و نرم‌افزاری روی گوشی‌های خود سعی کرده‌اند با محدودسازی فضای دسترسی فرزندانشان به اینترنت، آنان را از آسیب‌های اجتماعی و روانی دستیابی گسترده به انواع محتواهای موجود در فضای اینترنت مصون دارند، چنان‌که گفته شد، این راهکارها کوتاه‌مدت هستند و قابلیت کنترل و اعمال اقتدار نظارتی والدین تا زمانی وجود دارد که فرزندانشان تلفن همراه یا تبلت شخصی نداشته باشند. به عبارتی، کنترل نظارت محور یا محدودیت‌ساز والدین نهایتاً تا حدود پانزده‌سالگی و دوران نوجوانی می‌تواند به عنوان سبکی از پرورش دغدغه‌مند برای والدین، کارا باشد.

➤ چگونه دسترسی فرزندان به فضای مجازی را کنترل کنیم؟

پیش‌پیشد که پس از آن و با دستیابی مداوم نوجوانان به تلفن همراه یا تبلت، والدین چگونه خواهند توانست آنان را از آسیب‌های احتمالی دنیای مجازی محافظت کنند؟ آیا کنترل کردن فرزند روشی مناسب یا -دقیق‌تر بگویم- اجرایی است؟ در گذشته، سبک تربیت و پرورش بر اساس و بنیان کنترل و محدودیت می‌توانست چاره‌ساز باشد و والدین را تا اندازه‌ای و نه به طور کامل و مناسب بلکه به شکلی نسبی به چالش کشیده است. کدام والدینی چنان‌که می‌دانید، تحولات فرهنگی و فناوری و افزایش شکاف نسلی که تحول شگرفی در جامعه به وجود آورده است، شیوه‌های سنتی فرزندپروری را به چالش کشیده است. کدام والدینی می‌شناسید که فرصت یا دانش مدیریت رفتار فرزندان در فضای مجازی را به طور نسبی دارا باشند؟ امروزه در جامعه متحول‌شده، والدین بیش از جامعه سنتی گذشته دغدغه محافظت مناسب از فرزندان خود را دارند و به همان نسبت، بیش از گذشته در این امر مهم ناتوان هستند زیرا نهادهای اجرایی جامعه هیچ تمهیدی برای توانمندسازی والدین در راستای فرزندپروری متناسب با عصر ارتباطات نیندیشیده‌اند و والدین غالباً در مورد فرزندپروری آموزش ندیده و ناآگاه

هستند. به همین دلیل است که بحران کووید ۱۹ و ضرورت عقلانی آموزش مجازی به مسئله‌ای اجتماعی برای اغلب والدین دغدغه‌مند تبدیل شده است و پرسش ذهنی اغلب آنان این است که چگونه دسترسی فرزندان به فضای مجازی را کنترل کنیم. باید گفت که کنترل فرزندان به سبک فرزندپروری سنتی برای کودکان و نوجوانان عصر ارتباطات چاره‌ساز و راهبردی نخواهد بود. زندگی انسان یک فرایند مستمر است که کودکی و نوجوانی بخشی از آن محسوب می‌شود که آموزش‌های کسب‌شده در این دوران‌های زیستی اجتماعی فرد را برای بزرگ‌سالی توانمند می‌کند. در واقع والدین مسئول جوانی فرزندان‌شان نیز هستند. حال اگر صرفاً کنترلگر باشند، به جای آنکه سعی کنند سبک فرزندپروری خود را به‌روز و متناسب با زمان کنند، چگونه خواهند توانست فرزندى توانمند پرورش دهند که بتوانند در برابر آسیب‌های از فضای مجازی برای کسب دانش را به فرصت توانمندسازی خود برای فرزندپروری متناسب با عصر ارتباطات تبدیل کنند. در این راستا شایسته است که والدین برای افزایش توانمندی خود و فراگیری اصول فرزندپروری، از نهاد آموزشی، مشاوره تخصصی ویژه والدین را مطالبه کنند.

➤ مشاوره تخصصی برای توانمند شدن والدین ضرور است

لازم است که والدین نگرستن به مسائل اجتماعی از زاویه محدود را متوقف کنند. کنترل‌گری تربیت



سنتی امروزه کارکردی منفی دارد. برای توانمندسازی نوجوانان در میدان دسترسی به فضای مجازی والدین، باید برقراری ارتباط صحیح صمیمانه با فرزندانشان را فرابگیرند تا نوجوانان بتوانند والدین را به عنوان منبع اعتبار در کنار گروه همسالان و فضای مجازی در نظر آورند. با افزایش اعتبار نزد نوجوان است که والدین می‌توانند خود را به عنوان منبع شناخت دوباره به نوجوان بقبولانند تا نوجوان آن‌ها هنگام دسترسی و بهره‌برداری از اطلاعات، به عنوان منبع آگاه از والدین کمک بگیرد تا بتواند رفتار خود را در فضای مجازی مدیریت کند. والدین، به عنوان مشاوران آگاهی‌دهنده به فرزندان، تا نتوانند اعتبار خود را نزد نوجوان افزایش دهند، قادر نخواهند بود یا او ارتباط متناسبی برقرار، و متعاقباً قادر نیستند به طور نسبی در توانمندسازی فرزندان نقشی مثبت ایفا کنند. اکنون بهترین زمان است که تهدید کووید ۱۹ و اجبار منطقی استفاده از فضای مجازی برای کسب دانش را به فرصت توانمندسازی خود برای فرزندپروری متناسب با عصر ارتباطات تبدیل کنند. در این راستا شایسته است که والدین برای افزایش توانمندی خود و فراگیری اصول فرزندپروری، از نهاد آموزشی، مشاوره تخصصی ویژه والدین را مطالبه کنند.

برای توانمندسازی نوجوانان در میدان دسترسی به فضای مجازی والدین، باید برقراری ارتباط صحیح صمیمانه با فرزندانشان را فرابگیرند تا نوجوانان بتوانند والدین را به عنوان منبع اعتبار در کنار گروه همسالان و فضای مجازی در نظر آورند. با افزایش اعتبار نزد نوجوان است که والدین می‌توانند خود را به عنوان منبع شناخت دوباره به نوجوان بقبولانند



(۴)



➤ شهربانو

۲۴ شنبه
۱۴ مهر ۱۳۹۹
۱۷ مهر ۱۴۴۴ شماره ۲۲۱۹



ایراندخت

زنان مهاجر
در مشهد



غلامرضا آذری خاکستری
گوشه‌روشنه‌نویس



➤ در طول تاریخ، مشهد از شهرهای مهاجرپذیری محسوب می‌شود که پذیرای اقوام و گروه‌های متعددی بوده است. مهاجرت از روسیه به ایران به‌خصوص به خراسان و مشهد از اواخر دوره قاجار شروع می‌شود و طی چند مرحله این مهاجرت‌ها به پایان می‌رسد. مهم‌ترین علت این مهاجرت انقلاب ۱۹۱۷ میلادی و اخراج ایرانیان از آن کشور است. تاکنون گزارش جامعی درباره تعداد مهاجران و تفکیک جنسیتی آن‌ها به دست نیامده است برخی گزارش‌ها ۸۹۵ نفر تا سال ۱۳۱۷ خورشیدی را ذکر کرده‌اند ولی آنچه مشهود است اغلب این مهاجرت‌ها گروهی و همراه با خانواده اعم از زنان و فرزندان اتفاق افتاده است. مشهد در دوره پهلوی اول علاوه بر مهاجرت‌های داخل استان شاهد ورود ایرانیان مقیم شرووی نیز هست. بخشی از این مهاجران در شرایط بد اقتصادی زندگی می‌کردند به طوری که معتمدالوزاره در کتاب «از سیاه‌کوه تا دهنه ذوالفقار» که شرح وقایع مسافرت به سرحدات افغانستان است، در دی‌ماه ۱۳۱۲ خورشیدی چند شبی در هتل پارس مشهد اقامت دارد و به وضعیت اقتصادی مهاجران روسی به مشهد پرداخته است. بخشی از این گزارش به زنان مهاجر اختصاص دارد: «همچنین دستجات مهاجران روسی که این بدبخت‌ها دچار فلاکت بوده و مخصوصاً زن‌های آن‌ها برای کار در هتل و غیره آن طرف و این طرف دوندگی می‌کنند که ممکن است میان این اشخاص از مرد و زن نجیب و نجیبه و صاحب خانواده باشد که فعلاً به این حال فلاکت‌بار درآمده‌اند، به طوری که می‌گفتند این مهاجرین ۳ تومان پول گرفته و دخترهای خودشان را به توسط و اطلاع نظمیه به شوهر می‌دهند.» با افتتاح کارخانجات یا کارگاه‌ها تصادی از آنان جذب این مراکز شدند. بخشی هم از طریق دست‌فروشی یا رویکرد به هنرهای نمایشی امرار معاش می‌کردند. در سال‌های ۱۳۱۶ تا ۱۳۱۷ خورشیدی تعدادی از این مهاجران برای شغل و اسکان به املاک اختصاصی در فریمان منتقل می‌شوند. طبق گزارش شهربانی خراسان در خرداد ۱۳۱۷، ۲ زن اسامی ۲۶ نفر از مهاجران اعزامی به فریمان، ۲ زن نیز دیده می‌شوند که برای شغل‌های خیاطی و مامایی اعزام شده‌اند. در گزارشی دیگر، از بین ۲۰ خانوار اعزامی به املاک اختصاصی فریمان، نیمی از آن‌ها از زنان تشکیل داده‌اند که همراه خانواده و فرزندانشان برای اسکان و کار از مشهد به فریمان اعزام شده‌اند. راه‌اندازی بیمارستان در فریمان باعث می‌شود تعدادی از زنان مهاجر در این بیمارستان استخدام شوند. محتوای اسناد تاریخی نشان می‌دهد شهربانی خراسان در سال ۱۳۱۷ طی مکاتبه‌ای با ریاست کارپردازی املاک اختصاصی فریمان درباره درخواست شغل برای یکی از بانوان مهاجر نوشته است: «نگاریه خاوری که در تاریخ ۱۳۱۷/۸/۲۴ از روسیه، مرز باجگیران، وارد شده و به معیت پدرش، ابوالقاسم بنا، به فریمان اعزام گردیده بود، مشارالیه قبلاً به وسیله شهربانی فریمان جهت استخدام در بیمارستان آنجا تقاضای صدور پروانه نموده و مراتب به مرکز گزارش جواباً ابلاغ گردید. چون پیشینه‌اش در مدت اقامت در روسیه مجهول است، استخدام او مقتضی نیست و... در آن ایام زنان مهاجر علاوه بر خانه‌داری مشاغل اجتماعی نیز داشتند: پرستاری، خیاطی، آرایشگری، آشپزی، رخت‌شویی یا کار در کارخانجات، قالی‌بافی‌ها و...»

یک پله تا کارشناسی ارشد در ۱۳ سالگی

به گزارش خبرگزاری ایرنا خانه‌خلفی تابغه قرآنی واعجوبه حفظ قرآن کریم که در هفت‌سالگی حافظ کل قرآن شده بود اکنون در سن ۱۳ سالگی خود را برای آزمون کاشناسی ارشد در رشته علوم و حدیث قرآنی آماده می‌کند.



شهرزاد

الف. یوسفی
فصل فرهنگی



خندیدن تلخ به مسائل سخت

نگاهی به کتاب شارون و مادرشوهرم

«فکر نمی‌کنم تا وقتی من و شوهرم در ۱۸ نوامبر ۲۰۰۱ مجبور شدیم از خانه‌مان بگریزیم، هرگز والدینم یا صدها هزار فلسطینی دیگر را که در ۱۹۴۸ میلادی از خانه‌هایشان گریختند درک کرده یا به این خاطر بخشیده بودم. مادرشوهرم که از خانه‌اش در یافا گریخته بود و حالا در رام... زندگی می‌کرد به من گفت: آنچه اینجا تجربه کردم جهنمی بود به بدی همان چیزی که در یافا تجربه کرده بودیم، اما این بار عقلمان بیشتر می‌رسید: هر اتفاقی بیفتد، تو نباید از شهر خودت فرار کنی. در خانه بمان.» و این آغازی بود برای قصه خانم سعاد با مادر شوهرش و همچنین شارون. همیشه رویدادها از فاصله دور، از اینجا که ما نشسته‌ایم و در قاب تلویزیون شکل دیگری دارد. فرسنگ‌ها فاصله دارد با واقعیت. به قول آن مثل معروف، انگار که از دور دستان را بر آتش گرفته باشیم، نه می‌سوزد و نه تاول می‌زند و جز احساس گرمایی خوشایند چیزی حس نمی‌کنیم. سال‌های طولانی، اخبار فلسطین را از تلویزیون دیده‌ایم. البته حالا که کرونا آمده، انگار صهیونیست‌ها مجبور شده‌اند کمی سرجایشان بنشینند. سیاست‌های تازه سیاسی‌هون ۲ طرف هم این سال‌ها را ظاهراً برای فلسطینی‌ها آرام کرده است «ولی مگر می‌شود گذشته را و آن همه ظلم را از یاد برد؟ مگر می‌شود نوار غزه را و آن فاجعه ضدانسانی را فراموش کرد؟»

برای فهم آن شرایط که مردم فلسطین در آن زیستند، خواندن داستان‌هایی از دل مردمان فلسطین به درد این روزهای ما و ذهن فراموش کارمان می‌خورد. خانم سعاد امیری شهردن فلسطین است و نویسنده کتاب «شارون و مادرشوهرم». او در دل حوادث و وسط آتش زیسته است، در شرایط اشغال، در برخورد روزانه با سربازها و

نظامیان اسرائیلی، حکومت نظامی و جنگ، در زندگی روزمره. به قول خودش احقمانه بودن شرایط را تجربه کرده است، شرایطی که سنگ او گذرنامه اسرائیلی برای عبور و مرور دارد و خودش و دیگر فلسطینیان نه! سعاد امیری که یک زن تحصیل‌کرده فلسطینی است در کتاب «شارون و مادرشوهرم» خواسته است با نگاهی جزئی‌نگر و ریزبین و البته با طنزی آمیخته به تلخی، این قصه را شرح دهد، در رام...، در شهری که در آن زندگی کرد، کار کرد، عاشق شد، ازدواج کرد و صاحب یک مادرشوهر شد که این بار به‌هیچ‌وجه قصد فرار از خانه‌اش را نداشت. کتاب «شارون و مادرشوهرم» محصول فشارهای روحی خانم امیری در همان شرایط است که با فرستادن پست‌های الکترونیک به دوستان برای کاهش همتان فشار آغاز می‌شود، ایمیل‌هایی که بعدها متقاضیان بیشتری در دوستان و آشنایان یافت و خانم امیری را به این نکته متوجه کرد که داستان او و زندگی‌اش در شرایط اشغال تا چه اندازه برای دیگران عجیب و جذاب است. کتاب خاطرات او را بین سال‌های ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۴ در بر می‌گیرد و خاطرات شامل شرح حال روزانه او و رفت‌وآمدها و زندگی‌اش در منطقه‌ای ملو از سربازان اسرائیلی است. شاید قصه فلسطینی‌ها از منظرى که خانم سعاد امیری طرح کرده

شارون و مادرشوهرم

- نویسنده: سعاد امیری
- ترجمه: گیتا گرگانی

است بسیار تلخ‌تر و واقع‌بینانه‌تر باشد، فلسطینی که قصه‌اش برای بسیاری عجیب است اما بخشی از واقعیت جنایت‌آمیز جهان است.



شارون و مادرشوهرم

- نویسنده: سعاد امیری
- ترجمه: گیتا گرگانی